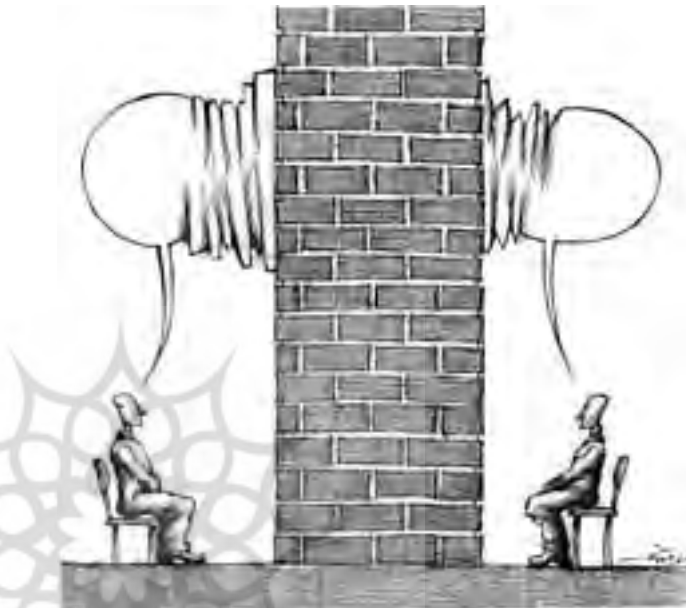


## گزارش ویژه: گذشته و حال تحریم‌ها

مناقشه ایران و آمریکا

### ایران در محاصره گروه اقدام

تحلیلی از دکتر علی خرم، استاد دانشگاه و تحلیلگر ارشد مسایل بین‌المللی



#### اتهامات

در ۱۱ اکتبر جاری، گروه اقدام برای عملیات مالی (FATF) Financial Action Task Force که از گزارش مجموعه G7 و شامل ۳۴ کشور از جمله روسیه و چین می‌باشد، با فشار و درخواست آمریکا بیانیه‌ای در مورد ایران صادر نمود که به دنبال دو قطعنامه صادره در شورای امنیت سازمان ملل متحد بود. وظیفه این گروه، اقدام، جلوگیری از فعالیت‌ها و تبادلات مالی کشورها و کسانی است که به اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و از جمله، سلاح‌های هسته‌ای بپردازند. همین گروه اقدام، اصول راهنمایی در راستای بیانیه فوق صادر نموده که در یک همکاری تنگاتنگ بین دول عضو و مؤسسات مالی بین‌المللی، هر گونه فعالیت مالی جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی را تحت نظارت دقیق خود قرار می‌دهد. در بیانیه فوق، به تمام مؤسسات مالی بین‌المللی نسبت به اقدامات غیرقانونی و غیرمجاز ایران در زمینه پولشویی، تغذیه مالی تروریسم و تغذیه مالی اشاعه سلاح‌های هسته‌ای هشدار جدی داده است.

متأسفانه ایران تنها کشوری است که با تلاش‌های آمریکا، در این سطح از اتهام و محاصره اقتصادی قرار گرفته است. چنانچه به تلاش آمریکا در مجمع عمومی اینترپول، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول (IMF) هم نظر بیفکنیم، مشاهده می‌شود همه از یک نسخه و یک اصول راهنما پیروی می‌کنند. در تمام مؤسسات مالی بین‌المللی، آمریکا ایران را متهم به این نقایص نموده و خواستار شده ایران به AML/CFT در چارچوب ماده ۴ صندوق بین‌المللی پول، پاسخ‌نویس مالی بدهد. در اصول راهنمای FATF ممنوعیت‌های فعالیت‌های مالی ایران در چارچوب قطعنامه ۱۷۳۷ صادر شده در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۶ و قطعنامه ۱۷۴۷ صادره در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ مشخص گردیده است.

در قطعنامه ۱۷۳۷ و اصول راهنمای آن، باید هرگونه همکاری فنی، تربیت متخصص، همکاری مالی، سرمایه‌گذاری، کارگزاری یا خدمات مشابه و انتقال منابع مالی یا خدمات مرتبط با عرضه، فروش، انتقال، تولید یا بکارگیری عوامل ممنوع، مواد، دستگاه‌ها، کالاها و تکنولوژی به ایران که در ارتباط با اشاعه فعالیت‌های هسته‌ای حساس باشد، جلوگیری شود. در اصول راهنما، به تمام مؤسسات مالی، شرکت‌ها و مشتریانی که در ارتباط با ایران فعالیت می‌کنند هشدار داده شده که فعالیت آنها با خطر ریسک بسیار بالایی در عرصه بین‌المللی مواجه است. همچنین، این اصول راهنما به همه هشدار داده که ممکن است ایران از روش‌های غیرمستقیم و تحت پوشش استفاده نماید و یا

گاز کشورمان، ایالات متحد را در رسیدن به اهدافش ناکام گذاشت. اما این بدان معنا نبود که اقتصاد و صنعت ایران از تحریم‌ها کاملاً جان سالم بدر برده و ضرر و زبانی ندیده است. بررسی آثار تحریم‌های دهه ۱۹۹۰ آمریکا بر اقتصاد و صنعت ایران نیاز به تحلیلی جداگانه دارد که اقتصاددانان بایستی عمیقاً به آن بپردازند. در زمینه خرید کالا، به ویژه کالاهای صنعتی و پیچیده، با قاطعیت می‌توان گفت ایران کالاها را گران‌تر خرید و از این بابت، هزینه قابل توجهی بر خزانه عمومی کشور تحمیل گردید که در جای خود قابل محاسبه است. علیرغم بحث فوق، باید اذعان کرد آمریکا با تحریم‌های یکجانبه خود نتوانست به اهداف تعیین شده برسد و بر سیاست خارجی یا داخلی ایران تأثیر بگذارد. شاید تأثیرات منفی این قبیل تحریم‌های یکجانبه نظیر از دست دادن بازار ایران، جایگزین شدن رقبا به جای شرکت‌های آمریکایی و تقویت قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، باعث گردید دولت‌مردان آمریکا به فکر تحریم‌های جدی‌تر و به شکل بین‌المللی بیفتند. با تصویب قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ راه برای تحقق نیت سیاسی آمریکا در صحنه اقتصادی فراهم گردید. دو قطعنامه مزبور به عنوان قطعنامه‌های الزام‌آور و لازم‌الاجتناب برای همه کشورها که در فصل هفتم منشور ملل متحد صادر شده است، محدودیت‌هایی برای اقتصاد، تبادلات مالی، تجارت، خریدهای خارجی کالاهای صنعتی و نظامی و سرمایه‌گذاری به شکل عام و خاص آن ایجاد می‌کند که فقط کشورهای دوست و

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به جهت تفارق منافع آمریکا با انقلاب اسلامی، تلاش‌های متعدد و عمدتاً غیررسمی در این کشور، به ویژه در ایام جنگ تحمیلی انجام گرفت که ایران از امکانات نظامی و برخی کالاهای غیرنظامی برخوردار نشود تا انقلاب راه همکاری و مسالمت با آمریکا و سیاست‌هایش را هموار سازد. به موازات، برخی اتفاقات نظیر قضیه "مک فارلن" پیش آمد که می‌توانست روابط ایران و آمریکا را بهبود بخشد. ولی اقدامات بعدی نظیر سرنگونی ایرباس ایران در پایان جنگ، روابط دو کشور را نه تنها بهبود نبخشید بلکه وارد نوعی رقابت همراه با رویارویی نمود. به این ترتیب، بعد از جنگ عراق، دولت‌مردان آمریکا به سوی تحریم‌های رسمی علیه جمهوری اسلامی ایران رفتند. داماتو و Iran - Lybia Sanctions Act (ILSA) از نمونه این تحریم‌ها بودند که سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار در بخش نفت و گاز ایران را ممنوع می‌کردند.

با توجه به نقش بنیادی ایالات متحد آمریکا در اقتصاد جهانی و سهم قابل توجه این کشور در سهام شرکت‌ها، کارخانجات، بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی اقتصادی جهان، بسیاری از این مؤسسات برای رضایت بخشی آمریکا، همکاری لازم را در تحریم‌های فوق انجام دادند. ولی جمهوری اسلامی ایران در آن ایام با وجود قیمت حدود ۱۰ تا ۱۵ دلار نفت نتوانست با مانورهایی، ضرر و زیان تحریم‌های یکجانبه آمریکا در دهه ۱۹۹۰ را به حداقل برساند. بی‌شک، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک ایران و منابع عظیم نفت و



ایران را پر خواهند کرد.

از دیگر احتمالات تحریم ایران، ایجاد سیستم بازرسی از کشتی‌ها و هواپیماهای ورودی و خروجی از ایران است که مشابه قطعه‌نامه ۱۷۰۳ در مورد کره شمالی می‌باشد. به عبارت دیگر، آمریکا درصدد اعمال فشار به ایران، به منظور قطع تمام شاهرگ‌های حیاتی کشورمان می‌باشد تا شاید به نیات خود برسد.

با وجود این، تا تحریم‌های فرضی نفتی تأثیر کامل خود را داشته باشد، ایران یکسال را پشت سر گذاشته و فضای سیاسی آمریکا تغییر خواهد کرد. چنانچه ذخایر ایران در بانک‌های خارجی از توقیف مصون بماند، می‌تواند در شرایط تحریم نفتی تا مدتی به کمک اقتصاد ایران بیاید.

در صورتی که سایر تحریم‌ها، به جز تحریم نفتی، اعمال شوند، یعنی ایران همچون گذشته ولی با آهنگی کندتر نفت خود را به فروش برساند، در آن صورت، کشورمان قادر خواهد بود تا چند سال دوام بیاورد. گرچه با این که تحریم‌ها، زیربنای اقتصاد و صنعت ایران را هدف قرار می‌دهند ولی در کوتاه مدت، تأثیر چندانی بر تسلیم شدن ایران نمی‌گذارند. به عبارت دیگر، تحریم‌ها، ایران را وادار به انصراف از راه خود برای غنی‌سازی هسته‌ای نمی‌نمایند. شاید چنانچه ایران حمله نظامی را غیرقابل اجتناب ببیند، برای پرهیز از خسارات کلی به یکی از راه‌های تشکیل کنسرسیوم خارجی برای تولید سوخت یا توافق با بسته پیشنهادی اروپا و یا طراحی در این حدود، راضی بشود.

نکته آخر این که اگر تحریم‌ها از دیدگاه آمریکا قابل پیاده کردن نباشند یا ناکارا جلوه کنند، این کشور به ضربه نظامی روی می‌آورد. در این صورت، سیاست ایران نباید این باشد که بر ناکارایی تحریم‌ها اصرار بورزد، بلکه برعکس، مصلحت ایجاد می‌کند مقداری هم خود را ناراحت نشان داده و بر کارایی تحریم‌ها اشاره داشته باشد. البته این امر با سیاست داخلی ایران در تضاد است، ولی چون موضوع اصلی در این برهه حساس، امنیت ملی ایران می‌باشد، خاموش کردن آتش فتنه و درگیری نظامی با آمریکا یا اسرائیل مهمتر از تبلیغات داخلی است. ■

می‌شود. مقامات ارشد آمریکا و انگلیس تلاش دارند این قبیل بانکداران را از هرگونه تجارت و انجام پروژه با ایران بر حذر داشته و ریسک بالاتر آن را یادآور شوند. به جز انگلستان و فرانسه، بقیه کشورها نظیر آلمان، اتریش، ایتالیا و اسپانیا از روش‌های تند آمریکا حمایت نمی‌نمایند، ولی مجموعه اتحادیه اروپا تحت فشار آمریکا، فرانسه و انگلستان به تهدید ایران نسبت به تحریم‌های بیشتر پرداخته‌اند. در همین راستا، شورای اتحادیه اروپا در اجلاس وزرای خود در لوکزامبورگ (۱۵ و ۱۶ اکتبر) تصمیم گرفت برخی تهدیدهای خودسرانه را علیه ایران اعمال نماید. بهانه این تحریم‌ها نپذیرفتن بسته پیشنهادی اروپا در تابستان ۲۰۰۶ می‌باشد. اتحادیه اروپا ضمن تأیید قطعه‌نامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت، از اقدامات بیشتر علیه ایران در چارچوب ماده ۴۱ فصل هفتم منشور حمایت نمود، مگر این که ایران فعالیت‌های غنی‌سازی را به حالت تعلیق درآورد. همچنین شورا توافق نمود، هرگونه اقدامات جدید که اتحادیه اروپا صلاح بداند در حمایت از پروژه سازمان ملل متحد و اهداف مشترک جامعه بین‌المللی انجام دهد را به اجرا گذارد.

البته این موضوع به فرانسه دوران ژاک شیراک برمی‌گردد که نتوانست در جنگ عراق در قبال اعضای جدید که طرفدار آمریکا بودند، کاری انجام دهد. در این میان، فرانسه سعی می‌کند خود را بیشتر صدای اروپا معرفی کند و قدرت این را دارد که یک تصمیم واحد علیه ایران بگیرد.

### راه آینده

می‌توان پیش‌بینی کرد، در صورتی که ایران با غرب در مورد موضوع هسته‌ای توافقی ننماید، دامنه تحریم‌ها وسیع‌تر شده و افزایش می‌یابد. اگر چه قیمت نفت اکنون در حد ۱۰۰ دلار می‌باشد، ولی امکان تحریم نفتی ایران خیلی دور از ذهن نیست، چرا که قیمت بالای نفت ربطی به تولیدات ندارد و اکنون آپیک بیش از مصرف جهان نفت تولید می‌کند. اعضای غیرآپیک هم به تولید مازاد مشغول هستند. لذا در صورت تحریم نفتی ایران، کشورهایی چون عربستان و روسیه جای خالی

از مجرای مناطق آزاد نظیر کیش عمل کند. در این اصول راهنما، به سایر تحریم‌های آمریکا در چارچوب دایره کنترل اموال خارجی خزانه داری اشاره شده که تحریم بانک‌های ایرانی و ارگان‌های ایرانی که با تروریزم و سلاح‌های کشتار جمعی در ارتباط هستند را شامل می‌شوند.

سه بانک صادرات، سپه و ملی و همچنین سپاه پاسداران و نیروی ویژه قدس شامل این نوع تحریم شده‌اند. بانک‌های یاد شده متهم به تبادلات مالی جهت عملیات تروریستی و فعالیت‌های سلاح‌های کشتار جمعی گردیده‌اند. به دلایلی که گفته شد، متأسفانه ایالات متحد آمریکا به دلیل قدرت عظیم مالی-اقتصادی که در جهان دارد، قادر است این گونه تحریم‌های یکجانبه را علیه جمهوری اسلامی ایران بکار گیرد و به تدریج آن را به اروپا و سایر نقاط جهان تعمیم دهد. هشدارهای آمریکا به مؤسسات مالی، خیلی زود در سوییس تأثیر گذاشت و بانک‌های UBS و Credit Swiss تمام مبادلات مالی و بانکی خود را با ایران متوقف یا به حداقل رساندند. همچنین کامریزبانک و دویچه بانک آلمان نیز اقدام مشابهی انجام داده و ایران را که بیشترین عملیات بانکی خارجی اش در این چهار بانک انجام می‌شد، دچار مشکل جدی نمودند.

تمام بانک‌های جهان همواره با دو شهر مالی نیویورک و لندن سروکار دارند. لذا وقتی آمریکا و انگلستان پشت سر محدودیت‌های بانکی، مالی و اقتصادی باشند، کمتر بانکی می‌تواند توجه نکند. این بدین معنا است که فضای فعالیت برای جمهوری اسلامی ایران به طور عام و برای بانک‌های ایرانی به طور خاص، بسیار تنگ و کوچک می‌شود. آمریکا بعد از تلاش‌های اخیر سعی دارد دامنه تحریم‌های یکجانبه خود را به اروپا و سپس به خاور دور تسری دهد. ولی تلاش اولیه آمریکا بر روی انگلستان است زیرا اگر دولت انگلستان هم بخشنامه مشابهی برای بانک‌ها و مؤسسات مالی خود ارسال نماید، فشار بیشتری بر ایران وارد خواهد شد. به طور سنتی، سرمایه داران و بانکداران غربی در لندن مرکزیت دارند و سالانه ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار از سرمایه‌های عربی وارد لندن

### FATF چیست؟



FATF یک نهاد بین‌المللی بین دولتی است که در سال ۱۹۸۹ توسط ۷ کشور بزرگ جهان (G7) تأسیس شده است. رسالت این نهاد به دو نوع تقسیم می‌شود:

- (۱) مبارزه با پولشویی (Money Laundering).
- (۲) مبارزه با تأمین مالی تروریسم (Terrorist Financing).

این نهاد با وضع مقررات درون کشوری و بین‌المللی در راستای دو رسالت خود گام برمی‌دارد. به این ترتیب FATF خود را یک نهاد سیاست‌گذار معرفی می‌کند که می‌تواند حتی پیشنهادهای را برای وضع قوانین ملی ارایه می‌نماید.

اخیراً FATF معادل ۴۹ توصیه برای مبارزه با تأمین مالی تروریست‌ها و همچنین پولشویی در محیط مالی بین‌الملل ارایه کرده و استانداردها و مقررات FATF توسط ۱۷۰ کشور جهان مورد تأیید قرار گرفته است. قطعه‌نامه ۱۶۱۷ شورای امنیت سازمان ملل (مصوب ژوئیه ۲۰۰۵) قویاً از همه اعضا خواسته است مقررات و روش‌های FATF را در بازارها، نهادها و فرآیندهای مالی داخلی خود اعمال و رعایت نمایند. در حال حاضر ۳۲ کشور عضو FATF هستند. اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس نیز عضو این نهاد بین‌المللی می‌باشند.